

تبیین مدل‌های مختلف بیان مقامات و منازل عرفانی بر اساس دیدگاه امام خمینی (س)^۱

سید محمود یوسف ثانی^۲

فائزه بالائی^۳

چکیده: یکی از مهم‌ترین مباحث طرح‌شده در عرفان عملی شرح مقامات و منازل عرفانی است. از نخستین سال‌های تاریخ مکتوب مباحث عرفانی، یکی از دغدغه‌های اصلی عارفان، بیان مقامات و منازل عرفانی بوده است؛ با وجود این عرفای مسلمان نتوانسته‌اند تعداد منازل و مقامات تا رسیدن به مقصد را به‌طور مشخص و معین ترسیم کنند و اختلافات عمده‌ای بین ایشان وجود دارد. تفاوت و اختلاف آرای عرفا در مقوله مقامات و منازل سلوکی را می‌توان ذیل چهار عنوان اصلی دسته‌بندی کرد: «تعدد»، «تنوع»، «ترتیب» و «تعریف».

امام خمینی رویکردی پارادوکسیکال^۴ به بیان مقامات و منازل عرفانی دارد؛ از یک سو از تبیین مرحله به مرحله و منزل به منزل مقامات خودداری می‌کند و از سوی دیگر به بیان مراتب کلی سیر و سلوک می‌پردازد. مقاله حاضر می‌کوشد در مسئله نخست به علت این رویکرد به ظاهر متناقض بپردازد و در مسئله دوم مدل‌های مختلف تبیین مراتب کلی سیر و سلوک را بر اساس آثار امام خمینی تنظیم و تنسیق کند. مدل‌های مختلف بر پایه شش محور اصلی رده‌بندی می‌شوند که هر یک دارای مدل‌های تبیین متفاوت هستند.

کلیدواژه‌ها: تبیین، مقام، منزل، سیر و سلوک، مراتب کلی.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری است.

۲. دانشیار مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه، تهران، ایران.

E-mail: yousefsani@irip.ir

۳. دانشجوی دکتری عرفان اسلامی پژوهشکده امام خمینی (س) و انقلاب اسلامی، تهران، ایران.

E-mail: balaei.1389@gmail.com

۴. به ظاهر متناقض

مقدمه

یکی از مهم‌ترین مباحث طرح‌شده در عرفان عملی شرح و تبیین مقامات و منازل عرفانی است. این موضوع آن‌چنان اهمیت دارد که برخی از بزرگان عرفان عملی را علم منازل آخرت نامیده‌اند (فناری ۲۰۱۰: ۱۳۱). شرح و تبیین مقامات و منازل عرفانی از چند وجه قابل بررسی است. جنبه نخست تعداد منازل و مقامات عرفانی است. عارفان تاکنون نتوانسته‌اند به‌طور مشخص و روشن تعداد این منازل و مقامات را تا رسیدن به مقصد و هدف مطلوب ترسیم کنند و اختلافات عمده‌ای در بین ایشان وجود دارد. گرچه برخی اختلاف منازل و مقامات عرفانی را ناشی از ذوق و حال عرفا دانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد که مبانی مهمی برای این اختلافات وجود دارد و هرگز نمی‌توان این اختلافات را نشانه سلیقه‌ای بودن این بحث دانست.

جنبه دیگر اختلاف و تمایز آرای عرفا در مقوله منازل و مقامات، تنوع منازل و مقامات است. برخی از عرفا درباره منازل و مراتبی سخن گفته‌اند که در آثار دیگران نیست یا درخصوص برخی مراتب و مقامات مذکور در آثار سایر عرفا ذکر می‌شود که میان نیآورده‌اند.

جنبه سوم اختلاف و تمایز آرای عرفای مسلمان، ترتب منازل و مقامات است. منزلی در نظر یک عارف در ابتدای راه است؛ درحالی که همان منزل از نظر دیگری در میانه راه است.

جنبه چهارم اختلاف و تمایز در مقوله مقامات و منازل سلوکی، تفاوت «حال» و «مقام» است و تعریفی که هر عارف از مقام یا حال ارائه می‌دهد. به بیان دیگر مقامی ممکن است از نظر عارفی حال باشد؛ در حالی که از منظر دیگری مقام و منزل است.

بنا بر آنچه گفته شد، می‌توان تفاوت و اختلاف آرای عرفا در مقوله مقامات و منازل سلوکی را ذیل چهار عنوان اصلی دسته‌بندی کرد: «تعدد»، «تنوع»، «ترتیب» و «تعریف».

از نخستین سال‌های تاریخ مکتوب مباحث عرفانی، یکی از دغدغه‌های اصلی عارفان بیان مقامات و منازل عرفانی بوده است. گاهی نحوه نگارش نویسنده‌ای به طرز اجمال است و نویسنده دیگری بنا بر تفصیل دارد. همین امر موجب تکثر یا عدم تکثر منازل و مقامات می‌شود؛ به‌عنوان مثال روزبهان بقلی در *مشرب الارواح* به تفصیل سخن گفته است؛ به همین دلیل تعداد مقامات در *مشرب الارواح* به هزار و یک منزل می‌رسد (بقلی شیرازی ۱۴۲۶: ۴). در حالی که ابوطالب مکی در کتاب *حجیم قوت القلوب* به اجمال به مقامات و منازل اشاره کرده است (مکی ۱۴۱۷ ج ۱: ۵). امام خمینی در هیچ‌یک از آثار خود از منازل و مقامات به‌طور اختصاصی و مستقل سخن نگفته است اما در تمام آثار خود به این موضوع مهم و اساسی در عرفان عملی پرداخته است. به‌طور کلی می‌توان آرای اختصاصی امام خمینی در زمینه مقامات و منازل را در دو محور اصلی

تقسیم‌بندی کرد:

- محور نخست تعدد و ترتب منازل و مقامات؛

- محور دوم تعریف و تفسیر مقامات و منازل.

این مقاله به منظور بررسی دو مسئله اصلی از محور اول تعدد و ترتب منازل و مقامات، از دیدگاه امام خمینی تدوین شده که بدین شرح است:

مسئله نخست: چرا امام خمینی در آثار مختلف خود به تبیین مرحله به مرحله و منزل به منزل مقامات عرفانی پرداخته است؟

مسئله دوم: مدل‌های مختلف تبیین مقامات و منازل عرفانی در نگاه امام خمینی چگونه است؟

در خصوص مسئله نخست، در بین نویسندگان و عارفانی که به بیان منازل و مقامات عرفانی پرداخته‌اند، دو نوع رویکرد وجود دارد. یک رویکرد بیان مقامات و منازل به شیوه مرسوم در قالب کتابی عرفانی و به صورت شمارگان منازل و مقامات سلوکی است. آثاری مانند *منازل السائرین و صلح میدان* از خواجه عبدالله انصاری از این دست هستند. رویکرد و نگرشی دیگر بیان مقامات و منازل در بخشی از یک کتاب و به صورت استطرادی برای مباحث اصلی است. کتاب‌هایی مانند *اللمع فی التصوف* از ابونصر طوسی و *عوارف المعارف* از سهروردی از این دست هستند. در این آثار نویسنده کتاب خود را با هدف دیگری نگاشته است، اما چون از مسائل مهم در عرفان عملی پرداختن به منازل و مقامات عرفانی است، در بخشی از کتاب منازل و مقامات عرفانی را به صورت منسجم و با ترتب خاص بیان می‌کند. نگرش و رویکرد امام خمینی در بیان و تبیین منازل عرفانی با هر دو رویکرد مذکور متفاوت است. امام خمینی در بیان مقامات و منازل عرفانی اثر خاصی ندارد، اما در خلال سایر مباحث عرفانی به این موضوع می‌پردازد و در نحوه نگارش مطالب نیز رویکرد دسته دوم از مؤلفان را دنبال نمی‌کند؛ یعنی التزامی به بیان شمارگان منازل عرفانی و تشریح سلسله‌وار این مقامات و منازل عرفانی ندارد.

چرایی عدم توجه امام خمینی به تبیین مرحله به مرحله و منزل به منزل مقامات عرفانی

۱. تناسب منازل و مقامات سلوکی با حالات قلبی سالک

در حقیقت هر فرد انسانی قبل از اینکه سالک باشد، خصوصیات روان‌شناختی منحصر به فردی دارد که سلوک وی را تحت الشعاع قرار می‌دهد و سیر و سلوک چون مقوله روحی و درونی است، ارتباط مستقیم با خصوصیات و ویژگی‌های فردی دارد. نکته‌ای که امام خمینی بر آن

تأکید دارد، قلوب سالکین است. در واقع قلب از نظر عرفانی آئینه و محور اصلی مکاشفات و تجلیات عارفان است. برخی از قلوب شیفته جلوات رحمانی و مجذوب جمال الهی هستند، برخی دیگر از جلوه‌های جلالی حق تعالی سیراب گشته‌اند؛ از همین رو با اسما جلالی الهی انس و الفت دارند و پیوسته خائف هستند. برخی دیگر نیز از ظرفیت و قابلیت بیشتری برخوردارند، به همین دلیل واجد هر دو جنبه جلال و جمال هستند. در این باره می‌گوید: «بدان که از برای هر یک از منازل سالکان مراتبی است که به حسب حالات قلوب آن‌ها فرق می‌کند» (امام خمینی ۱۳۸۲: ۲۷۹) و در جای دیگر آمده است: «بُراق سیر و رَفْرَف عروج اهل معرفت و اصحاب قلوب نماز است؛ و هر کس از اهل سیر و سلوک اِلی الله را نمازی مختص به خود او و حظ و نصیبی است از آن، حسب مقام خود» (امام خمینی ۱۳۷۸: ۵).

در مورد تجلیات و مکاشفات قلوب مختلف می‌گوید: «قلوب اولیا آئینه تجلیات حق و محل ظهور او است... در اینکه تجلیات حق در آن‌ها تجلی و ظهور کند، مختلف است»^۱ (امام خمینی ۱۴۱۶: ۲۸).

از نظر امام خمینی غایت سلوک اِلی الله ذات مقدس خداوند است. گرچه سالک در ابتدای امر فانی در افعال، اسما و صفات خداوند می‌شود، اما وقتی از حال خود بی‌خود شد و محو کلی برایش رخ داد؛ پس از آن فنای ذات برایش رخ می‌دهد و این مقام جز با جذب الهیه و جدوة نار عشق حاصل نمی‌شود (امام خمینی ۱۳۸۲: ۵۹۰-۵۹۱) حال اهل سلوک در این مقام مانند مقام اول است؛ یعنی عین ثابتش تابع هر اسمی است، در همان اسم فانی شود و به همان اسم باقی ماند و در حال صحو نیز کشف همان اسم بر او گردد و کشف عین ثابت تابع همان اسم، بر او گردد^۲ (امام خمینی ۱۳۸۲: ۵۹۱) بنابراین بعد از اینکه حال صحو بعد از محو به او دست داد، وجود او حقانی گردد و حق تعالی در مرآت جمال او سایر موجودات را مشاهده فرماید

۱. امام خمینی قلوب را به دو دسته اصلی تقسیم می‌کند. برخی از قلوب عشقی و ذوقی است که خداوند با جمال و بها به این دسته قلوب تجلی می‌کند و دسته دیگر از قلوب خوفی است که خداوند با جلال و عظمت به این قلوب تجلی می‌کند و پاره‌ای از قلوب هر دو جنبه را دارا هستند که خداوند بر این قلوب با جلال و جمال و صفات متقابله یا با اسم اعظم که جامع است، تجلی می‌کند. (امام خمینی ۱۴۱۶: ۲۸)

۲. امام خمینی در مورد اختلاف اهل سلوک در این مقام می‌گوید: «... پس انسان کامل در تحت اسم جامع کشف مطلق اعیان ثابته و لوازم آن ازلاً و ابداً بر او گردد و کشف حالات و استعداد موجودات و کیفیت سلوک و نقشه وصول آن‌ها بر او گردد و خلعت خاتمیت و نبوت ختمی که نتیجه کشف مطلق است، بر قامت زیبای مستقیمش راست آید و دیگر پیغمبران هر یک به مناسبت اسمی که از آن مظهریت دارند و به مقدار حیطه وسعه دایره آن، کشف اعیان تابعه آن اسم کنند و باب کمال و نقص و اشرفیت و غیر آن وسعه و ضیق دایره دعوت از آنجا شروع شود و به تبعیت اسماء الهیه رجوع کند» (امام خمینی ۱۴۱۶: ۵۹۲).

و هم‌افق با مشیت گردد (امام خمینی ۱۳۸۲: ۵۹۲).

۲. نامتناهی بودن منازل سلوکی از منظر امام خمینی

امام خمینی در بحث تعداد منازل سلوکی از شمارگان خاصی سخن نمی‌گوید؛ گرچه دیدگاه دیگران را بیان می‌کند، اما بیشتر متمایل به قاعده‌ای است که در چهل حدیث به‌صراحت به آن اشاره کرده است. از نظر او سلوک طی کردن مسافت بین دو منزل است. نقطه شروع و آغاز، متابعت کامل از هوای نفس و مقصد متابعت کامل از عقل است و منازل بین این دو منزل نامتناهی است، به‌طوری که هر قدمی که به تبعیت هوای نفس برداشته شود، به همان میزان مانع از حق است و حجاب حقیقت می‌شود و انسان را از انوار کمال و ترقی محجوب می‌کند و برعکس هر قدمی که برخلاف میل نفس و هوای آن بردارد، به همان اندازه رفع حجاب می‌کند و نور حق در وجود انسان جلوه می‌کند.

در این باره می‌گوید:

بین این دو منزل که یکی متابعت کامله هوای نفس است و دیگری متابعت مطلقه کامله عقل است، منازل غیر متناهی است هر قدمی که به تبعیت هوای نفس برداشته شود، به همان اندازه منع از حق کند و حجاب از حقیقت شود و از انوار کمال انسانیت و اسرار وجود آدمیت محجوب گردد، و به عکس، هر قدمی که برخلاف میل نفس و هوای آن بردارد، به همان اندازه رفع حجاب شود و نور حق در مملکت جلوه کند (امام خمینی ۱۳۸۲: ۱۷۰-۱۶۹).

۳. حد و نهایت نداشتن انسان در سلوک

امام خمینی بر اساس آیه ۱۳ سوره احزاب «يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ...» به این مبنا قائل است که انسان برخلاف سایر موجودات هیچ حد و مقامی ندارد. مقام حد است و اگر موجودی مقامی نداشته باشد، حدی هم ندارد و در نتیجه ماهیتی هم نخواهد داشت. وی در این باره می‌گوید:

بعضی گفته‌اند به سبب ظلومیت و عدم مقام برای نفس ناطقه دیگر ماهیتی برای نفس ناطقه باقی نمی‌ماند؛ زیرا مقام حد است و اگر چیزی مقامی نداشته باشد، حدی هم ندارد و در نتیجه ماهیتی هم نخواهد داشت «يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ...» ولی هر یک از دیگر مراتب وجود مقامی مشخص دارند... تنها چیزی که مقام ثابتی ندارد و مظهر «كُلُّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ» است، انسان است (امام خمینی ۱۴۱۶: ۱۵).

۴. عدم امکان احصای تمام مراتب سلوکی

در نگاه امام خمینی مقامات و مراتب اهل سلوک بی‌شمار است و تنها امکان پرداختن به مراتب کلی آن وجود دارد و همچنین احاطه به جمیع جوانب و احصای تمام مراتب امکان‌پذیر نیست. در حقیقت از منظر امام خمینی سالک الی الله تنها می‌تواند به مراتب کلی سیر و سلوک بپردازد و پرداختن به این امر عظیم چون از زاویه و منظر سلوکی آن مؤلف مورد نظر است، به نحو تام و تمام نیست. در این باره می‌گوید: «بدان که اهل سلوک را در این مقام و سایر مقامات مراتب و مدارجی است بی‌شمار و ما به ذکر بعضی از آن مراتب به طور کلی می‌پردازیم. و اما احاطه به جمیع جوانب و احصای همه مراتب آن از عهده این ناچیز بیرون است: الطَّرُقُ إِلَى اللَّهِ بِعَدَدِ أَنْفَاسِ الْخَلَائِقِ» (امام خمینی ۱۳۷۰: ۱۰).

این سخن امام خمینی مبنای اختلاف ظاهری رویکرد و نگرش وی در تعدد مقامات و منازل سلوکی است؛ زیرا در آثار امام خمینی دو رویکرد و نگرش به چشم می‌خورد. از سویی شمارش و احصای مقامات و منازل عرفانی را غیرممکن دانسته است و آن را با حالات قلبی سالکان الی الله متناسب می‌داند و از سوی دیگر مراتب و منازل سلوکی را به روش‌های مختلف شمارش کرده است. در واقع از منظر امام خمینی تنها می‌توان مراتب و منازل کلی سیر و سلوک را برشمرد و احصای جمیع جوانب آن ناممکن است و در آثار خویش هر جا سخن از عدم امکان شمارش منازل و مقامات به میان آورده، مقصود وی بیان مرحله‌به‌مرحله و منزل‌به‌منزل مقامات و منازل سلوکی بوده است و در مواردی که به بیان منازل و مقامات پرداخته است، در حقیقت مراتب و منازل کلی را تبیین کرده است. در مصباح الهدایة به این نکته به نحو دقیق و بدیع توجه شده است: بدان که این چهار سفر برای هر صاحب شریعت و رسولی باید وجود داشته باشد ولیکن در عین حال مراتبشان با همدیگر تفاوت دارد و مقاماتشان با یکدیگر فرق دارد (امام خمینی ۱۳۸۶: ۸۹).^۱

تبیین مدل‌های مختلف بیان مقامات و منازل عرفانی در نگاه امام خمینی

با توجه به علل مسئله نخست معلوم می‌شود که گرچه امام خمینی به بیان مرحله‌به‌مرحله و منزل‌به‌منزل مقامات عرفانی پرداخته است، اما در آثار خود به تبیین مراتب کلی سیر و سلوک اهتمام داشته است و مدل‌های مختلفی به‌منظور تبیین مقامات و منازل عرفانی مطرح کرده است.

۱. «و لیعلم أنّ هذه الأسفار الأربعة لا بدّ و أن تكون لكلّ مشرّع مرسل؛ و لكنّ المراتب مع ذلك متفاوتة و المقامات متخالفة».

در این بخش سعی شده است که مراتب کلی سیر و سلوک از دیدگاه امام خمینی براساس محور خاصی تنظیم و مدل‌سازی شود. به‌طور کلی می‌توان گفت امام خمینی از چهار منظر اصلی به مراتب سیر و سلوک و تبیین آن پرداخته است:

۱. بیان مراتب کلی از منظر معرفت‌شناختی

سیر و سلوک عرفانی در حقیقت ارتقای وجودی انسان و استعلا بخشیدن به جنبه‌های وجودی است. شاید بتوان ادعا کرد که مهم‌ترین ارتقای وجودی، اعتلای علم و معرفت انسان است؛ از همین رو بی‌جهت نیست که سیر و سلوک عرفانی رابطه متناظری با سیر و سلوک معرفتی داشته باشد. سیر و سلوک یک فرآیند وجودی است که طی آن سالک در همه زمینه‌های کمالی از جمله معرفت توسعه و ارتقا می‌یابد. به‌ویژه آنکه برجسته‌ترین وجه وجودی انسان، هویت علمی و معرفتی اوست و در ادبیات عرفانی امام، وجه معرفتی سیر و سلوک عرفانی از جایگاه ویژه و ممتازی برخوردار است (مبلغ ۱۳۹۳: ۱۲۶).

مدل اول

معرفت در بیان امام خمینی چهار مرتبه کلی دارد: عقل یا علم؛ قلب؛ اطمینان و مشاهده. مرتبه نخست علم است. امام در *آداب الصلوة* چنین می‌گوید:

در این مرتبه سالک الی الله با قدم علمی و برهان فلسفی ذلت عبودیت و عزت ربوبیت را اثبات می‌کند. چنانچه در حکمت متعالیه اثبات شده است که جمیع دار تحقیق و دایره وجود، صرف ربط و تعلق و محض فقر و فاقه است و حقیقت عرفان نیز چیزی نیست جز فهم و شهود همین معنا؛ به عبارت دیگر نتیجه ریاضت و سلوک و رفع حجاب‌های مختلف درک و مشاهده فقر خود و تمام موجودات است. سالک الی الله وقتی به این مقام رسید، به منزل نخست انسانیت نائل شده است اما این مرتبه خود حجابی است؛ العلم هو الحجاب الاکبر و باید مجاهده کند که در این حجاب باقی نماند و اگر به این مقام قناعت کند، ممکن است مورد استدراج واقع شود. به این معنا که به تفریعات کثیر علمی بپردازد و برای این منظور براهین مختلف اقامه کند و از وصول به سایر منازل بازماند و قلبش اسیر این مقام شود. در واقع در این مرتبه استدلال و برهان حاکم است. در این مرتبه سالک به یقین نمی‌رسد و بیشتر جنبه ظن و گمان دارد. از همین رو مورد

طعن عارفان قرار می‌گیرد؛ زیرا از یقین خالی است. مقام دوم این است که هرچه با قدم عقل و فکر درک کرد، به صفحه قلب آورد. به این معنا که حقیقت ذل عبودیت و عز ربوبیت را به قلب برساند و از قیود و حجاب‌های علمی فارغ شود. در این مقام سالک الی الله به مقام ایمان می‌رسد. در این مرتبه سالک با یقین آشنا می‌شود. گرچه مرتبه کمال یافته یقین در مرتبه اطمینان واقع می‌شود اما سالک بوی یقین را در اقلیم جان خود استشمام می‌کند. مقام سوم مقام اطمینان است که در واقع مرتبه کمال مقام دوم یعنی ایمان است. آیه ۲۶۰ سوره بقره شاید اشاره به این مقام باشد: «أَوَّلَم تَوْنَمَن، قَالَ بَلَىٰ وَ لَكِن لَّيَطْمَنَّ قَلْبِي».

مقام چهارم مقام مشاهده است. این مقام نوری الهی و تجلی‌ای رحمانی است که در نتیجه تجلیات اسمائی و صفاتی در سر سالک ظهور می‌کند و درجات متعددی دارد و در این مقام نمونه‌ای از قرب نوافل بروز می‌کند. در این مرتبه مشاهده عینی و حضوری برای سالک حاصل می‌شود. سالک با حقیقت مورد مشاهده اتصال و اتحاد وجودی پیدا می‌کند و وحدت عالم و معلوم محقق می‌شود. سالک با طی این مراتب و منازل به جایی می‌رسد که نوری الهی و تجلی‌ای رحمانی در سر او ظهور و بروز می‌کند و جان او را سراسر به نور شهود روشن می‌سازد و در دریای لایتناهی وحدت مستغرق می‌شود (امام خمینی ۱۳۷۰: ۱۲-۱۰).

همچنین در این باره می‌گوید:

یکی از آن مراتب مرتبه علم است و آن، چنان است که به سلوک علمی و برهان فلسفی ثابت نماید؛ ذلت عبودیت و عزت ربوبیت را (امام خمینی ۱۳۷۰: ۱۱-۱۰). [مقام دوم] و آن، چنان است که آنچه را عقل با قوت برهان و سلوک علمی ادراک کرده، با قلم عقل به صفحه قلب بنگارد و حقیقت ذل عبودیت و عز ربوبیت را به قلب برساند ... نتیجه مقام دوم، حصول ایمان به حقایق است؛ مقام سوم مقام اطمینان و طمأنینه نفس است که در حقیقت مرتبه کامله ایمان است؛ مقام چهارم مقام مشاهده است که آن نوری است الهی و تجلی‌ای است رحمانی که تبع تجلیات اسمائیه و صفاتی در سر سالک ظهور کند و سر تا پای قلب او را به نور شهودی متنور نماید و در این مقام درجاتی است کثیره که ذکر آن‌ها از حوصله این اوراق خارج است (امام خمینی ۱۳۷۰: ۱۲).

البته لازم به ذکر است که امام خمینی در مورد این منظر از مراتب سیر و سلوک در جای دیگر هم سخن به میان آورده است. در بیان حقیقت سجده با اندکی تفاوت به این مراتب چهارگانه اشاره و دو مرتبه دیگر هم به آن اضافه کرده است. در آن بحث مراتب دوم و سوم را به صورت یک مرتبه جمع بندی کرده است؛ یعنی در حقیقت یک مرتبه دانسته است که از مراتب نخستین یقین آغاز می‌شود و تا کمال یقین که اطمینان است، ادامه پیدا می‌کند و مقام چهارم را هم تحت عنوان «محو مطلق» یا «فنای تام» یا «صعق کلی» بیان کرده است. در واقع این مقام هم همان کمال مقام مشاهده است که سالک در آن به فنا می‌رسد.^۱

در این بخش از کتاب *سرالصلوة* مقام دیگری را علاوه بر مقامات چهارگانه در نظر می‌گیرد که دیگر مقام نیست. این مقام فوق مراتب چهارگانه مزبور است و «تمکین» یا «صحو بعد المحو» نام دارد و از این جهت مقام نیست که در پایان مراتب چهارگانه، سیر و سلوک به پایان رسیده است و از سالک و سلوک اثری باقی نمانده است. این مقام ورای مقامات سلوکی است و در حقیقت «فیض اقدس» است که در آن همه چیز حق و حقانی است.^۲

۲. بیان مراتب کلی از منظر جهان‌شناختی

از منظر جهان‌شناختی چند تبیین در آثار امام خمینی وجود دارد. گرچه تبیین اصلی از منظر جهان‌شناختی شامل دو حرکت بزرگ در طی مراتب عالم هستی است. این دو حرکت عبارت است از: طی نمودن قوس صعود که در حقیقت حرکت از خلق (آفاق) و بیت مظلم نفس تا بارگاه منبع توحید و وارد شدن به ساحت با عظمت آن و درک و دریافت اسرار و حقایق آن است؛ و حرکت دوم طی کردن قوس نزول است که عبارت است از بازگشت از مراتب طی شده

۱. در این منبع چنین آمده است: «یکی، مقام ادراک این مقام است علماً و فکراً، به طریق تفکر و قدم برهان و علم. و این مرتبه اصحاب حجاب اعظم است که علماً و حکماً هستند. دوم، مقام ایمان، و کمال آن اطمینان است. و این مقام مؤمنین و ارباب یقین است. سوم، مقام اهل شهود و اصحاب قلوب است که به نور مشاهده، فنا مطلق را مشاهده کنند و حضرت توحید تام در قلب آنها تجلی کند. چهارم، مقام اصحاب تحقق و کمال اولیا است که متحقق به مقام وحدت صرف شوند و کثرت «قَابِ قَوْسَین» از میان برخیزد... پس، محو مطلق دست دهد و صعق کلی حاصل آید و فنا تام رخ دهد و غشوه تمام عارض شود و غبار عبودیت از میان برخیزد» (امام خمینی ۱۳۷۸: ۱۰۲-۱۰۱).

۲. امام خمینی در این باره می‌گوید: «اگر قلبش وسیع باشد و مورد تجلی فیض اقدس شده باشد، در این حالت محو باقی نماند و از این غشوه به تجلیات لطفیه آفاقه حاصل کند و حالت تمکین و طمأنینه برای او دست دهد و به حالت صحو بعد المحو برگردد... در این مقام اسنی، سلوک سالک را به هیچ وجه اثری نباشد و قدم عبودیت بکلی منقطع است» (امام خمینی، ۱۳۷۸: ۱۰۲).

و نزول در خلق و آفاق با قدم حقانی منازل و مراحل سلوک (امام خمینی ۱۳۸۶: ۸۸).
از این مراتب کلیه که حول دو محور اصلی است، تبیین‌های مختلفی در آثار امام خمینی وجود دارد. یکی از همین تبیین‌ها در کتاب شرح دعای سحر بیان شده است.

مدل اول

۱) سیر از عالم طبیعت به عالم نفس که نماد آن در قرآن ستاره زهره است. در قرآن به این سیر در سوره انعام پرداخته شده است؛ آن هنگام که حضرت ابراهیم موضوع پرستش ستاره را مطرح کرده است (انعام: ۷۹-۷۶)؛

۲) سیر از عالم نفس به عالم قلب که نماد این عالم ماه است؛

۳) سیر از عالم قلب به عالم روح که نماد آن خورشید است؛

۴) سیر از عالم روح به حق مطلق؛ در این مرحله سالک از هر اسم، رسم و تعینی رهایی می‌یابد. البته نخست به عالم حق مقید و اصل می‌شود که همان اسما و صفات الهی هستند؛ سپس به مقصد نهایی که حق مطلق است، می‌رسد. در عالم اسما و صفات نیز ابتدا به اسما و صفاتی که احاطه کمتری دارند، دست می‌یابد؛ سپس اسما و صفاتی که احاطه بیشتری دارند و پس از آن به حق مطلق که رهایی از هر قید و تعینی است. وی در این باره می‌گوید:

گذر از منازل حواس و خیالات و تعقلات و عبور از سرزمین فریب به سوی مقصد نهایی و رسیدن به نفی علمی و عینی صفات و رسوم و جهات ممکن نیست، مگر پس از گذر تدریجی از مراحل میانی، از برزخ‌های زیرین و زیرین تا رسیدن به عالم آخرت و سیر از آن به عالم اسما و صفات؛ آن هم از آنچه احاطه کمتری دارد به آنچه احاطه بیشتری دارد تا وصول به الهیت مطلق و پس از آن به احدیت عین‌الجمع که در آن تمامی تجلیات خلقی و اسمائی و صفاتی مستهلک گشته و همه تعینات علمی و عینی فانی گردیده است (امام خمینی ۱۴۱۶: ۱۴).

امام خمینی در کتاب شرح دعای سحر منازل و مراحل سلوکی را به نحو دیگری نیز تبیین می‌کند. اگرچه این مراحل و منازل نیز بیان دیگری از همان منازل است که نخست بیان شد.

مدل دوم

۱) سیر از عالم طبیعت به عالم مثال؛

۲) سیر از عالم مثال به عالم ملکوت؛

۳) سیر از عالم ملکوت به عالم ارواح مقدس؛

۴) سیر از عالم ارواح مقدس به مقام مشیت که همه موجودات خاص و تعینات فعلی در آن مستهلک‌اند.

آیه ۸ سوره نجم «دَنَّى فَتَدَلَّى» اشاره به این مقام است. این مقام همان مشیت مطلقه‌ای است که از آن به فیض مقدس، رحمت واسعه، اسم اعظم، ولایت مطلقه محمدیه یا مقام علوی نیز تعبیر شده است و همان لویایی است که آدم و غیر او در زیر آن جمع‌اند. بیان پیامبر اکرم (ص) در این زمینه می‌فرماید: «كنت نبياً و آدم بین الماء و الطین» یا «بین الروح و الجسد»؛ یا در دعای ندبه آمده است: «أین باب الله الذی منه یوتی، أین وجه الله الذی الیه یتوجه الأولیاء، أین السبب المتصل بین الأرض و السماء». این‌ها اشاره به مقام مشیت مطلقه است. در این مقام سالک به شهود اسما و صفات الهی نائل می‌شود (امام خمینی ۱۴۱۶: ۱۸-۱۷).

سیر از مقام مشیت مطلقه به مقام قرب مطلق: از این مقام با عناوینی چون «وجود مطلق»، «ظل منبسط»، «وجه باقی» یاد شده است. در این مقام همه موجودات و عوالم از اجساد ظلمانی تا ارواح نورانی همه مستهلک هستند. سالک در این مقام درمی‌یابد که نسبت مشیت با تمام موجودات و عوالم یکسان است. آیات «فَأَیْنَمَا تَوَلَّوْا فَتَمَّ وَجْهُ اللَّهِ» (بقره: ۱۱۵)؛ «هُوَ مَعَكُمْ» (حدید: ۴)؛ «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْكُمْ» (واقع: ۸۵) و «نَحْنُ أَقْرَبُ إِلَیْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرْدِ» (ق: ۱۶) اشاره به این مقام است (امام خمینی ۱۴۱۶: ۱۹-۱۸).

امام خمینی در شرح چهل حدیث به نحو دیگری همین مراتب را بیان کرده است. در این کتاب دو نوع تبیین مختلف دیده می‌شود که در یکی مراحل کلی سلوک، شش مرحله بیان شده است و در دیگری چهارده مرحله.

مدل سوم

۱) مبدأ سفر روحانی بیت مظلمه نفس است؛

۲) سیر در مراحل و منازل آفاق؛

۳) سیر در مراتب و منازل انفس؛

۴) تجلی ذات مقدس خداوند که برای انسان غیر کامل به صورت اسمی و صفتی و تعینی از

اسما و صفات و تعینات تجلی می‌کند؛

- ۵) تجلی ذات مقدس خداوند که برای انسان کامل در ابتدای امر به جمیع اسما و صفات تجلی می‌کند؛
- ۶) در انتهای سلوک تجلی ذات مقدس حق به نحوی که اسما و صفات در آن مضمحل گشته است (امام خمینی ۱۳۸۲: ۵۹۰).

مدل چهارم

این تبیین واجد جزئیات و مراحل دقیق‌تری است، بدین شرح:

- ۱) قدم نهادن بر فرق انیت و انانیت؛
- ۲) سیر در مراحل و منازل تعینات؛
- ۳) خرق حجب ظلمانی و نورانی؛
- ۴) دل‌کندن از همه موجودات یا به تعبیر امام خمینی «فروریختن بت‌ها از کعبه دل به ید ولایت مآبی»؛
- ۵) افول کواکب، اقمار و شمس از افق قلب؛
- ۶) الهی‌شدن سالک از طریق یک‌رو و یک‌جهت و بی‌تعلق‌شدن وجهه دل؛ در این حالت حال قلب سالک «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ» (انعام: ۷۹) گشته است؛
- ۷) فانی‌شدن در اسما و ذات و افعال؛
- ۸) بی‌خود شدن از خود؛
- ۹) حصول محو کلی؛
- ۱۰) وقوع صعق مطلق؛
- ۱۱) حصول به مقام منیع «قرب نوافل»؛ در این مرحله حق در وجود او کارگر می‌شود و به سمع حق می‌شنود و به بصر حق می‌بیند و به ید قدرت حق غلبه می‌کند و به لسان حق نطق می‌کند و به حق ببیند و جز حق نبیند و به حق نطق کند و جز حق نطق نکند.
- ۱۲) منتهای قرب نوافل که فنای کلی و اضمحلال مطلق است. در این مرتبه حالت صحو برای او دست می‌دهد.
- ۱۳) در این حالت صحو در مرآت ذات، صفات و در آنها اعیان ثابتات و لوازم آنها را کشف می‌کنید. این مقام همان مقام قرب فرائض است که حق تعالی در مرآت جمال سالک، موجودات دیگر را مشاهده می‌کند؛ بلکه هم‌افق با مشیت می‌گردد.

۱۴) انسان کامل با مشیت مطلقه هم‌افق می‌گردد و روحانیت او عین ظهور فعلی حق می‌شود. در این حالت خود او اراده نافذ حق و مشیت کامله و علم فعلی است (امام خمینی ۱۳۸۲: ۵۹۱-۵۹۰). امام خمینی بر اساس جهان‌بینی فلسفی - عرفانی، تبیین دیگری نیز از مراتب کلی سلوک ارائه می‌دهد. در نگاه او عوالم به سه دسته کلی عالم مُلک و دنیا؛ عالم برزخ؛ و عالم عقل یا آخرت تقسیم می‌شوند و از آنجا که انسان نسخه کوچک‌شده این عوالم است، مقامات او نیز به سه دسته تقسیم می‌شوند. در تطابق عالم مُلک و دنیا، مقام انسان مقام تعینات مظاهر است و در برابر عالم برزخ به مقام مشیت مطلقه می‌رسد که برزخ البرازخ است و به اعتباری مقام عما است. (مشیت مطلقه حد واسط بین حق و خلق است؛ به همین جهت امام خمینی آن را برزخ البرازخ می‌داند) و در مقابل عالم عقل و آخرت مقام احدیت جمع اسما است. در آیه شریفه «بسم الله» هر سه مقام را می‌توان یافت. الله که مقام احدیت جمع است و اسم که مقام برزخیت کبری است و تعینات رحمانی و رحیمی در قسمت دوم آیه در الرحمن الرحیم (امام خمینی ۱۳۷۸: ۴). بر اساس اعتبارات دیگر ممکن است مقام انسان در چهار مقام مُلک، ملکوت، جبروت و لاهوت لحاظ شود یا بر پایه جهان‌بینی عرفانی که عالم را دارای پنج طبقه می‌داند؛ شامل: شهادت مطلقه؛ غیب مطلق؛ شهادت مضافه؛ غیب مضاف؛ و مقام کون جامع باشد. امام خمینی اشاره‌ای نیز به سایر اعتبارات می‌کند:

«و به اعتباری دارای هفت مقام، معروف به هفت شهر عشق و هفت اقلیم وجود، در السنه عرفا است. و به اعتباری تفصیلی دارای صد منزل یا هزار منزل است، که تفصیل آن از حوصله این مختصر خارج است» (امام خمینی ۱۳۷۸: ۴).

۳. بیان مراتب کلی سلوک از منظر انسان‌شناختی

یکی از مباحث مهم در آثار امام خمینی در حوزه عرفان عملی، توجه به نفس و مراتب آن است. از منظر امام خمینی نفس دارای سه مقام کلی است و هر مقام جهاد مخصوص به خود را دارد. او در ابتدای کتاب *چهل حدیث* به بیان مقامات اول و دوم می‌پردازد اما از توضیح مقام سوم صرف‌نظر می‌کند و آن را به نگارش رساله مستقلی در این باب موکول می‌کند که ظاهراً تا پایان عمر فرصت نگارش این رساله برایش به وجود نیامده است.

مدل اول

۱. مقام نخست نفس که پایین‌ترین مقام آن است، منزل مُلک و ظاهر و دنیای آن است. نفس

در این مقام دارای قوای مختلف ظاهری است که این قوا همان قوای سبعة هستند. امام خمینی در تبیین این مراتب از بیان لطیفی استفاده می‌کند و قوای سبعة را اقالیم سبعة می‌نامد. اقالیم سبعة عبارتند از چشم، گوش، زبان، شکم، فرج و دست و پا. همه این اقالیم به واسطه وهم تحت سلطه نفس است. اگر وهم به تصرف خود یا شیطان در آن اقالیم تصرف کند، مملکت نفس شیطانی می‌شود و چنانچه به تصرف عقل و شرع در این قوا تصرف کند، مملکت نفس رحمانی و عقلانی می‌شود. به همین جهت مجاهده نفس در این مقام عبارت است از غلبه انسان بر قوای ظاهری خود و آن‌ها را تحت فرمان خالق قرار دادن و خالی کردن مملکت نفس از قوای شیطان و جنود آن (امام خمینی ۱۳۸۲: ۶-۵). پنج عامل اصلی که انسان را در این مجاهده یاری می‌کنند، عبارتند از: تفکر، عزم، مشارطه، مراقبه و محاسبه.

۲. مقام دوم نفس نشئه ملکوت و مملکت باطن آن است. جنود نفس در این مقام بیشتر و مهم‌تر از مقام اول است و مجاهده نفس در این مقام نیز به همان نسبت اهمیت بیشتری دارد و عظام اهل سلوک و اخلاق به آن بسیار اهمیت داده‌اند. به اندازه‌ای که می‌توان سرچشمه تمام سعادات و شقاوت‌ها و درجات و درکات را مندرج در این مقام دانست (امام خمینی ۱۳۸۲: ۱۱-۱۲). قوای نفس در این مقام نفس عبارتند از قوای واهمه، غضبیه و شهویه که سرچشمه تمام ملکات حسنه و سیئه و منشأ تمام صور غیبیه ملکوتیه‌اند. چنانچه سالک این قوا را تسلیم عقل سلیم و انبیای عظام نماید، از جنود رحمانی شده، موجب سعادت و خوشبختی او می‌گردد و اگر این قوا رها شده و وهم افسار گسیخته بر آن‌ها حاکم شود، از جنود شیطانی می‌شود (امام خمینی ۱۳۸۲: ۱۷-۱۳). دو عامل اساسی که سالک را در مجاهده نفس در این مقام کمک می‌کند، «ضبط خیال» و «موازنه» است که امام خمینی به نحو بدیعی این دو موضوع را مطرح می‌کند (امام خمینی ۱۳۸۲: ۱۸-۱۷).

مدل دوم

امام خمینی در کتاب *سرالصلوة* بیان دیگری از مراتب انسانی را با توجه به دو قوس صعود و نزول ارائه می‌دهد. در این کتاب نخست مقام انسان را دو مقام کلی می‌داند: مقام دنیا و شهادت؛ و مقام آخرت و غیب که مقام دنیا و شهادت، ظل اسم رحمان و مقام آخرت، ظل اسم رحیم است؛ و آیه شریفه «بسم الله الرحمن الرحيم» را اشاره به این مقامات می‌داند که در این آیه کلیه مقامات را برای انسان جمع کرده است.

از منظر امام خمینی تجمیع تمام مقامات در آیه «بسم الله الرحمن الرحيم» بر حسب سیر انسان در دایره وجود است، چنانچه در ذیل آن می‌گوید:

این دو مقام در انسان کامل از ظهور مشیت مطلقه از مکان غیب احدی تا مقبض هیولی یا مقبض ارض سابع، که حجاب انسانیت است، به طریقه عرفای شامخین - و این یکی از دو قوس وجود است - و از مقبض تراکم فیض تا منتهی النهایه غیب مشیت و اطلاق وجود - و این قوس دوم است - می‌باشد (امام خمینی ۱۳۷۸: ۴-۳).
امام خمینی در بیان این مقامات به تطبیق مقامات با آیات بیرونی نیز می‌پردازد؛ به عنوان مثال در بیان مقام انسان بر اساس دایره وجود، یکی از این حقایق را منطبق با حقیقت لیلة القدر و سر آن می‌داند و دیگری را منطبق با روز قیامت؛ زیرا روز قیامت در نهایت ظهور و بروز است، بنابراین بالاترین نقطه قوس صعود منطبق است و حقیقت لیلة القدر نیز همان حقیقت در حجاب تعینات است و با نزول حقیقت انسان کامل در عالم طبیعت مطابقت دارد (امام خمینی ۱۳۷۸: ۴).

مدل سوم

- ۱) متسنن شدن به سنت‌های الهی و متلبس شدن به لباس شریعت؛
- ۲) اشتغال به تهذیب باطن؛
- ۳) تصفیل سر؛
- ۴) تطهیر روح؛
- ۵) تنزیه قلب؛
- ۶) تجلی انوار غیبی بر قلب، در این مرحله سالک مجذوب عالم غیب می‌گردد. بعد از این مرحله، مراحل سلوک با دستگیری باطنی و غیبی آغاز می‌شود.
- ۷) قلب حق طلب و حق جو می‌شود.
- ۸) وجهه قلب از طبیعت منسلخ می‌گردد و به حقیقت منسلک می‌شود.
- ۹) با جدوة نار محبت و نور هدایت - یکی رفرع عشق است و دیگری بُراق سیر - به سوی کوی محبوب رهسپار می‌شود.
- ۱۰) از آلودگی غیر و غیریت تطهیر می‌یابد.
- ۱۱) حتی از خود نیز که یکی از تعینات است، فانی می‌شود (امام خمینی ۱۳۷۷: ۴۳).

۴. بیان مراحل کلی سیر و سلوک بر اساس مراتب فتوحات (فتوحات ثلاثه)

امام خمینی مراحل و منازل سلوکی را بر اساس نگرش انفسی به سه مرتبه اصلی فتوحات ثلاثه تقسیم می‌کند: فتح در مشرب اهل عرفان؛ گشایش ابواب معارف؛ و مکاشفات از جانب خداوند که تا قبل از فتح، آن ابواب بسته بوده است (امام خمینی ۱۳۸۲: ۳۴۱). ابن عربی از خلوات الفتح (ابن عربی ۱۹۹۴ ج ۱۱: ۳۰۰) و رجال الفتح یاد می‌کند. رجال الفتح در هر زمانی بیست و چهار نفر هستند که تعدادشان کم و زیاد نمی‌شود.^۱ تلمسانی از شارحین منازل السائرین دو نوع فتح برمی‌شمارد: فتح نفس؛ و فتح روح^۲ (تلمسانی ۱۳۷۱ ج ۲: ۴۷۱).

مرتبه اول زمانی است که انسان در بیت مظلم نفس است و تعلقات نفسانی موجب بسته شدن جمیع ابواب معارف و مکاشفات به روی اوست. پس از مجاهده و اصلاح نفس فتح قلب برای او رخ می‌دهد و منازل نفس را طی می‌کند. سالک در این مرتبه به مقام قلب می‌رسد. این فتح که «فتح قریب» است، اول فتوحات منازل و مراتب سلوکی است و آیه شریفه «نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَ فَتْحٌ قَرِيبٌ» (صف: ۱۳) اشاره به همین مقام است. تا زمانی که سالک در عالم قلب است و رسوم و تعینات قلبی بر وجود او حکم فرماست، باب اسما و صفات بر او معلق و بسته است.

در مرحله بعد تجلیات اسمائی و صفاتی بر او ظهور می‌کند و تعینات و قیودات عالم قلب فانی می‌شود. این فتح «فتح مبین» است و باب اسما و صفات به روی سالک مفتوح می‌گردد و رسوم و تعینات متقدم نفسی و متأخر قلبی زایل و مرتفع می‌شود و تحت غفاریت و ستاریت اسما مغفور خداوند قرار می‌گیرد. آیه شریفه «إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُبِينًا، لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ» (فتح: ۲-۱) اشاره به همین معناست و این فتح باب ولایت است.

مرتبه بعد گشایش ابواب تجلیات ذاتی بر سالک است. تا زمانی که سالک در حجاب کثرت اسمائی و تعینات صفاتی است، ابواب تجلیات ذاتی بر او معلق و بسته است و چون تجلیات ذاتی احدی بر او جلوه گر شد، جمیع رسوم و تعینات خلقی و امری مرتفع می‌شود. این فتح «فتح مطلق» است و ذنب مطلق مغفور گردد. با تجلی احدی ذنب ذاتی نیز مرتفع و فانی می‌شود که مبدأ تمام ذنوب ذاتی است «وجودک ذنب لایقاس به ذنب» آیه شریفه «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» (نصر: ۱) اشاره به همین مقام است. فتح قریب و فتح مبین از مراتب و

۱. «بهم یفتح الله علی قلوب اهل الله ما یفتحه من المعارف و الاسرار و جعلهم الله علی عدد الساعات: لكل ساعة رجل منهم. فكل من یفتح علیه فی شیء من العلوم و المعارف فی ای ساعة كانت من لیل او نهار فهو لرجل تلك الساعة» (ابن عربی ۱۹۹۴ ج ۱۱: ۳۱۸).

۲. «الفتح علی قسمین، فتح فی النفس و هو یعطى العلم التام نقلاً و عقلاً و فتح فی الروح و هو یعطى المعرفة وجوداً لا نقلاً و عقلاً» (تلمسانی ۱۳۷۱ ج ۲: ۴۷۱).

مقامات مشترک انبیا و اولیا و اهل معرفت است، اما فتح مطلق از مقامات خاص وجود مقدس پیامبر اکرم (ص) است بالاصالة و اگر کسی به این مقام برسد، با شفاعت آن بزرگوار و بالتبعیة است (امام خمینی ۱۳۸۲: ۳۴۲ - ۳۴۱).

قونوی در النصوص و فناری در مصباح الانس به فتوحات ثلاثه اشاره کرده‌اند.^۱ به نظر می‌رسد مدل امام خمینی در فتوحات ثلاثه بر اساس نظرات قونوی و فناری باشد. نوآوری امام خمینی در این مدل تبیین ویژه، در قسمت غفران و ذنب است. نگاه امام خمینی به مقوله ذنب و غفران بر اساس تبیین و تأویل سلوکی و عرفانی است. در این نگاه و رویکرد سالک به هر مرتبه و مقام که وارد می‌شود، شئون و مراتب مقام و مرتبه قبل، ذنب محسوب می‌شود و در هر مرتبه که وارد می‌شود، ذنوب مرتبه قبل مورد غفران الهی قرار می‌گیرد؛ تا زمانی که تحت تجلیات ذاتی احدی قرار گیرد و در این مرتبه ذنب وجودی که مبدأ و منشأ تمام ذنوب است، در ظل کبریایی احدی مستور می‌شود و این غایت عروج و سلوک است و در این مقام موت و فنای تام رخ می‌دهد و به همین دلیل وقتی آیه شریفه «إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ» (فتح: ۱) نازل شد، پیامبر اکرم (ص) فرمود: «این سوره خبر موت من است» در حقیقت امام خمینی برخلاف قول مفسرین ظاهری که این آیه را دلالت بر مرگ پیامبر اکرم (ص) دانسته‌اند، این آیه را خبر از فنای تام پیامبر اکرم (ص) می‌داند؛ گرچه جمع بین دو قول در کلام امام خمینی نیز متناقض نیست (امام خمینی ۱۳۸۲: ۳۴۳).

غلبه دیدگاه توحیدی در امام خمینی موجب می‌شود که تمام فتوحات را به خداوند نسبت دهد و بگوید: «البتة با یاری و نصر خداوند و نور هدایت و جذبه آن ذات مقدس این فتح و سایر فتوحات واقع می‌شود» (امام خمینی ۱۳۸۲: ۳۴۲-۳۴۱).

۵. بیان مراتب کلی سلوک بر اساس مراتب نماز و حضور قلب در آن

امام خمینی بر اساس اصلی که در عرفان عملی وجود دارد، روح عبادت و کمال آن را به حضور قلب در عبادت معطوف کرده است و بر این باور است که هیچ عبادتی بدون حضور قلب مقبول در گاه حق واقع نمی‌شود و از درجه اعتبار ساقط است. به همین دلیل سه فصل از

۱. «اولها الفتح القریب و هو الظهور بالکمالات الروحیة و القلبیة بعد العبور عن المنازل النفسیة و قطع دائرة السلوک و الهدایة من الوظائف الاسلامیة و الایمانیة... ثانیهما الفتح المبین و هو الظهور بمقام الولایة و تجلیات انوار الاسماء الالهیة المغنیة لصفات الروح و القلب المثبتة لکمالات السرّ و هذا فی مقام السیر فی الحق فهو دائرة الکمال و الولایة... و ثالثها الفتح المطلق و هو تجلی الذات الاحدیة و الاستغراق فی عین الجمع، لفناء الرسوم الخلقیة... و هو فتح باب حضرة الاحدیة و الكشف الذاتی بعد الفتح المبین فی مقام الروح بالمشاهدة» (قونوی ۱۳۷۱: ۱۰۴-۱۰۳؛ فناری ۲۰۱۰: ۱۴۵).

کتاب *سرالصلوة معراج السالکین و صلوة العارفين* را به حضور قلب اختصاص داده است و در فصل چهارم به طور اختصاصی به حضور قلب و مراتب آن پرداخته است. تطبیق دیگری که امام خمینی در مقامات و منازل انسان انجام می‌دهد، تطبیق مقام و منزل هر سالک با نماز آن سالک است. به عبارت دیگر از نظر امام خمینی هر یک از اهل سلوک نماز مخصوص به خود دارد و در بین عبادات نماز دارای چنین جامعیتی است. قاضی سعید قمی چنین دیدگاهی در مورد انبیا دارد. از نظر وی هر نبی با توجه به مرتبه و درجه‌اش نماز مخصوص به خود دارد و نماز تام و تمام اختصاص به وجود مبارک پیامبر اکرم (ص) دارد (قمی ۱۳۳۹: ۱۱۷). امام خمینی این رابطه را در مورد تمام سالکین الی الله گسترش می‌دهد. از نظر وی نماز هر سالک تجلی‌ای از مرتبه و سیر وی است. در کتاب *سرالصلوة* چنین می‌گوید:

همین طور از برای نماز، که در بین عبادات و مناسک الهیه سمت جامعیت و عمودیت دارد، این مقامات طابقاً بالتعلُّ بالتعلُّ هست؛ زیرا که جمیع مقامات معنویّه انسانیّه به حسب سفر معنوی اوست از منتهی النزول عالم مُلکی، که بیت مظلمه نفس است، تا غایه القصوای معراج حقیقی روحانی، که وصول به فناء الله است. و بُراق سیر و رُفرف عروج اهل معرفت و اصحاب قلوب نماز است؛ و هر کس از اهل سیر و سلوک الی الله را نمازی مختصّ به خود او و حظّ و نصیبی است از آن (امام خمینی ۱۳۷۸: ۵)

نکته دیگر این است که امام خمینی بر اساس روایاتی مانند «الصلّاهُ معراجُ المؤمن» (مجلسی ۱۴۱۰ ج ۳: ۷۹) و «الصلّوة قُربانٌ کُلُّ تَقَى» (حر عاملی ۱۴۰۹ ج ۴: ۴۴؛ شیخ صدوق ۱۴۱۳ ج ۱: ۲۱۰) «مرکب انسان در این سیر و سلوک را نماز می‌داند. امام خمینی بر اساس این احادیث استنباط می‌کند که نماز به منزله مرکب است برای آنکه قصد خدا را کرده و سالک الی الله شده است؛ بنابراین برای کسی که هنوز در مسیر ایمان و بندگی نیست و چنین قصدی نیز ندارد، معراج و وسیله قرب وی نخواهد بود» (امام خمینی ۱۳۷۸: ۲۰).

همچنین بین آنکه در مسیر سیر و سلوک است و کسی که واصل شده؛ از این جهت تفاوتی وجود دارد، زیرا نماز سالک براق عروج و رُفرف وصول است، اما برای واصل، نمازش نقشه تجلیات و صورت مشاهدات جمال محبوب است. اگرچه در صورت هر دو نماز یکسان است و

۱. «... و علی تفاوت کل درجه فی مراتبها الضعیفة و الشدیده تلك الرسل فضلنا علی بعض فلک نبي مقام واحد او بعض مراتب ذلك المقام الواحد و هو الاصل و الحقیقة لذلك المقام و کل يعمل علی شاکلته و لكل درجات مما عملوا الی ان تم الامر و کملت المقامات و الاحوال بسید الاولین و الآخرین و وصیه صلوات الله علیهما و آلهما...».

ترکیب آن هیچ تغییری نمی‌کند. در حقیقت نماز واصل سرایت حکم غیب به شهادت و ظهور آثار باطن در ظاهر است (امام خمینی ۱۳۷۸: ۱۱) ایشان برای فهم بهتر این مطلب حال عاشقی را مثال می‌زند که با دیدن معشوق و جلوات وی نباید مقدمات ترتیب دهد و نتیجه بگیرد، بلکه خود حقیقت عشق که از قلب او طلوع می‌کند، از سر و باطن به علن و ظاهر سرایت می‌کند (امام خمینی ۱۳۷۸: ۱۱). مجذوب مقام احدیت و عاشق واقعی خداوند هرگز مقامش از عاشق مظاهر الهی کمتر نیست، نماز در حقیقت نقشه تجلیات باطنی محبوب است که در عالم مُلک به ترکیب سرایت کرده است.

امام خمینی مراتب حضور قلب را در دو سطح مطرح می‌کند: در سطح عبادت و در سطح معبود. حضور قلب در مرتبه عبادات دارای مراتب زیر است:

۱. مرتبه اول این است که سالک به‌طور اجمالی بداند در نماز ثنای حق را می‌کند؛ به ثنایی که حق تعالی برای خود فرموده است؛

۲. مرتبه دوم حضور قلب در عبادت است به‌طور تفصیلی و خود این مرتبه دارای مقامات و منازل متفاوتی است؛ زیرا قلوب سالکان با یکدیگر تفاوت دارد. «و از برای آن، مراتب و مقاماتی است بسیار متفاوت، حسب تفاوت مقامات قلوب و معارف عابدان (امام خمینی ۱۳۷۸: ۱۸).

گروهی که در منزل اول هستند؛ این طایفه از نماز جز صورت و قشر چیزی نمی‌دانند، ولی مفاهیم عرفی اذکار و ادعیه را می‌فهمند؛ و حضور قلب آنان چنین است که در هنگام ذکر یا قرائت مفاهیم آن را در قلب حاضر کنند (امام خمینی ۱۳۷۸: ۱۸).

منزل دوم متعلق به کسانی است که حقایق عبادات، اذکار و قرائت را به قدم فکری و عقلی می‌فهمند؛ مثلاً کیفیت رجوع جمیع محامد به حق را با برهان عقلی می‌دانند یا حقیقت صراط مستقیم یا حقیقت معانی سوره توحید را درک می‌کنند (امام خمینی ۱۳۷۸: ۱۹).

منزل سوم از آن کسانی است که حقایقی را که با قدم فکری و عقلی درک کرده و با قلم عقل به لوح قلب رسانده‌اند و قلب آن‌ها نیز به آن حقایق آشنا شده و ایمان آورده است (امام خمینی ۱۳۷۸: ۱۹).

منزل چهارم مخصوص آنان است که این حقایق را نه تنها به مرتبه قلب خود رسانده و به مقام کمال اطمینان رسیده‌اند، بلکه حقایق را با مشاهده حضوریه و

حضور عینی دریافته‌اند (امام خمینی ۱۳۷۸: ۲۰).

خود منزل چهارم دارای مقامات و مراتبی است. امام خمینی در این باره می‌گوید: «و از برای این سالکان نیز مراتبی است که تفصیل آن از حوصله این اوراق خارج است» (امام خمینی ۱۳۷۸: ۲۰).

به عبارت دیگر این گروه از سالکان تمام حقایقی را که صورت و مظاهر آن‌ها در عبادت نمایان است، آشکارا مشاهده می‌کنند. سالکی که به این مقام می‌رسد، در مقام دیگری از مقامات حضور قلب وارد می‌شود و آن حضور قلب در معبود است که آن نیز خود مراتب بسیاری دارد و به اجمال آن را در سه مقام کلی می‌توان دسته‌بندی کرد:

۱. یکی حضور قلب در جلوه فعلی معبود است و آن عبارت است از اینکه انسان با عقل و فکر علم حاصل کند که از منتهی‌النهایی حقایق مجرد عقلی تا نازل‌ترین مراتب حقیقت وجود؛ همه از تعینات وجود منبسط است. در واقع این مقام که تجلی فعلی است، مقام علم فعلی حق است که نفس حضور در محضر ربوبیت است و اگر کسی چنین علمی را به طریق برهانی پیدا کند، مرتبه اول حضور قلب در معبود برای او حاصل می‌شود. چنین سالکی در همه اوقات و علی‌الخصوص در هنگام عبادت که موقع حضور است، به این مطلب التفات دارد که عالم محضر خداست و جمیع موجودات نفس حضور در آن محضر مقدس هستند و تمام حرکات، سکنتات، عبادات و طاعات و معاصی و مخالفات‌های آن‌ها در محضر ربوبیت واقع می‌شود و کسی که به این عقیده صادقانه رسید، به مقتضای فطرت الهی از مخالفت با حق امتناع می‌کند (امام خمینی ۱۳۷۸: ۲۱).

۲. مرتبه دوم حضور قلب در تجلی فعلی مرتبه ایمان و اطمینان است. این مرتبه از ذکر با حبیب، در ظاهر و باطن و سر و عنق و مناجات با خداوند و خلوت با او حاصل می‌شود و در این هنگام است که نورانیت عبادت زیاد می‌گردد و سری از اسرار عبادت بر قلب عابد منکشف می‌شود.

۳. مرتبه سوم تجلی فعلی مرتبه صعود از اطمینان و ایمان به مرتبه شهود و عیان است. این مرتبه در اثر تداوم ذکر و عشق به حضور و خلوت و تضرع به وجود می‌آید. در این مرتبه خداوند با تجلی فعلی به سر قلب او تجلی می‌کند، پس قلب لذت حضور را درمی‌یابد و چنین لذتی سالک را از عبادت غافل می‌کند و از خود و عبادتش محجوب می‌شود و از عالم فانی می‌گردد و به تجلی فعلی مشغول می‌شود (امام خمینی ۱۳۷۸: ۲۲).

مرتبه دوم از مقامات کلی تجلی اسماء خداوند بر قلب سالک است. این مرتبه دارای منازل و درجات بی‌شماری است؛ زیرا هزار اسم الهی بر قلب او متجلی می‌شود و هر کدام از این اسما

به طریق امتزاج با اسما دیگر از دو اسم یا سه اسم تا آخر اسما، امکان تجلی خواهند داشت. مرتبه سوم از مقامات کلی تجلیات ذاتی است که آخرین مرتبه حضور قلب در معبود است و آن نیز مراتبی دارد. امام خمینی در این باره می‌گوید: «پس از تجلیات اسمائیه، نمونه تجلیات ذاتیه که آخر مرتبه حضور قلب در معبود است، حاصل شود؛ و از برای آن نیز مراتبی است» (امام خمینی ۱۳۷۸: ۲۳).

۶. مراتب کلی سلوک بر اساس ارکان سفر معنوی

امام خمینی سفر معنوی را دارای دو رکن اساسی می‌داند. رکن نخست مربوط به طهارت و رکن دوم مربوط به نماز است. برای هر رکن نیز چهار مرتبه وجود دارد که هر مرتبه، باطن و سر مرتبه پیشین است.

پس معلوم شد که این سفر معنوی و معراج قرب حقیقی را دو رکن است، که یک رکن آن در باب طهارات حاصل شود، که سر آن تخلیه، و سر سر آن تجرید، و سر مستسر آن تنزیه، و سر مقنع به سر آن تنزیه از تنزیه و تقیید است؛ و رکن اعظم آن در باب صلاة حاصل شود، که سر آن تجلیه، و سر سر آن تفرید، و سر مستسر آن توحید، و سر مقنع به سر آن تنزیه از توحید و تقیید است (امام خمینی ۱۳۷۸: ۵۵).

به بیان دیگر این مراتب عبارتند از:

۱. مرتبه اول طهارت اهل ایمان که تطهیر ظاهر است از معصیت، منطبق با مرتبه طبع؛
۲. مرتبه دوم طهارت اهل باطن که تنزیه از قذارات معنوی و کثافات اخلاق ذمیمه که منطبق با مرتبه نفس است.
۳. مرتبه سوم طهارت اصحاب حقیقت تنزیه از خواطر و وساوس شیطانی و تطهیر از افکار باطل و آراء ضالّه مضله بوده، منطبق با مرتبه عقل است.
۴. مرتبه چهارم طهارت ارباب قلوب تنزیه از تلوینات و طهارت از تقلبات و تطهیر از احتجاب به علوم رسمی و اصطلاحات که با مرتبه قلب منطبق است.
۵. مرتبه پنجم طهارت اصحاب سر تنزیه نسبت به احتجاب از مشاهدات است و با مرتبه سر منطبق است.
۶. مرتبه ششم طهارت اصحاب محبت و مجذوبین تنزیه از توجه به غیر و غیریت و تطهیر از حجب خلقی و منطبق با مرتبه خفی است.

۷. مرتبه هفتم طهارت اصحاب ولایت تطهیر از رؤیت مقامات و مدارج و تنزیه از اغراض و غایات است تا آخر مقام ولایت که طهارت آن‌ها تنزیه از تعینات تجلیات اسمائی و صفاتی و منطبق با مرتبه اخفا است.

طهارت ارباب صحو بعد از محو و تمکین، تنزیه از تلوین بعد از تمکین و غلبه تجلیات بعضی بر بعضی دیگر است که این مقام رؤیت مظهریت احدیه الجمع است (امام خمینی ۱۳۷۸: ۳۵-۳۴).

نتیجه گیری

این پژوهش حول دو مسئله اصلی تنظیم شده است. مسئله نخست بررسی علل عدم بیان مرحله به مرحله و منزل به منزل مقامات عرفانی در آثار امام خمینی است. رویکرد امام خمینی در تبیین مقامات و منازل عرفانی رویکرد خاصی است. او به بیان مرحله به مرحله مقامات عرفانی نمی‌پردازد. در این مقاله چهار دلیل برای چنین رویکردی از آثار امام خمینی استخراج شده است. این دلایل عبارتند از:

۱. تناسب منازل و مقامات سلوکی با حالات قلب سالک؛
 ۲. نامتناهی بودن منازل سلوکی از منظر امام خمینی؛
 ۳. عدم در نظر گرفتن حد و نهایت برای انسان در سلوک؛
 ۴. عدم امکان احصا جمیع مراتب سلوکی.
- گرچه امام خمینی به بیان مرحله به مرحله منازل و مقامات عرفانی نمی‌پردازد، اما در آثار خود به روش‌های مختلف به بیان مراتب کلی سیر و سلوک توجه کرده است. مسئله دوم مقاله حاضر، تبیین مدل‌های مختلف بیان مراتب سیر و سلوک در آثار امام خمینی است. در این قسمت از مقاله سعی شده است که مدل‌های مختلف تبیین مراتب کلی سیر و سلوک بر اساس آثار امام خمینی تنظیم و تنسيق شود. مدل‌ها به شش دسته اصلی تقسیم می‌شوند:
۱. بیان مراتب کلی از منظر معرفت‌شناختی: یک مدل؛
 ۲. بیان مراتب کلی از منظر جهان‌شناختی: چهار مدل؛
 ۳. بیان مراتب کلی سلوک از منظر انسان‌شناختی: سه مدل؛
 ۴. بیان مراتب کلی سیر و سلوک بر اساس مراتب فتوحات (فتوحات ثلاثه)؛
 ۵. بیان مراتب کلی سلوک بر اساس مراتب نماز و حضور قلب در آن؛
 ۶. بیان مراتب کلی سیر و سلوک بر اساس ارکان معنوی.

منابع

- ابن عربی، محی‌الدین. (۱۹۹۴) *الفتوحات المکیة*، محقق و مصحح عثمان یحیی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴ جلدی.
- امام خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۷۸) *سرالصلوة (معراج السالکین و صلاة العارفين)*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم.
- _____ . (۱۴۱۶ق) *شرح دعاء السحر*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- _____ . (۱۳۸۲) *شرح چهل حدیث*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ بیست و هفتم.
- _____ . (۱۳۷۰) *آداب الصلوة*، چاپ هفتم، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- _____ . (۱۳۸۶) *مصباح الهدایة الی الخلافة و الولاية*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم.
- _____ . (۱۳۷۷) *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول.
- بقلی شیرازی، روزبهان. (۱۴۲۶ق) *مشرب الارواح*، محقق و مصحح ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذی الدرقاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- تلمسانی، عقیف‌الدین سلیمان بن علی. (۱۳۷۱) *شرح منازل السائرین*، محقق و مصحح عبدالحفیظ منصور، قم: انتشارات بیدار، ۲ جلدی .
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ق) *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم: مؤسسه آل‌البت علیهم‌السلام، چاپ اول.
- شیخ صدوق، محمد بن علی بن بابویه. (۱۴۱۳ق) *من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ دوم.
- فناری، شمس‌الدین محمد حمزه. (۲۰۱۰) *مصباح الانس بین المعقول و المشهود*، محقق و مصحح عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- قمی، قاضی سعید. (۱۳۳۹) *اسرار العبادات و حقیقة الصلوة*، محقق و مصحح سید محمد باقر سبزواری، تهران: دانشگاه تهران.
- قونوی، صدرالدین. (۱۳۷۱) *النصوص*، محقق و مصحح سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (۱۴۱۰ق) *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، چاپ اول.
- مبلغ، سید مرتضی. (۱۳۹۳) «منازل و مقامات سالکان در نظریه سلوکی امام خمینی»، *پژوهشنامه متین*، شماره شصت و سه.
- مکی، ابوطالب. (۱۴۱۷ق)، *قوت القلوب فی معامله المحبوب*، محقق و مصحح باسل عیون السود، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۲ جلدی.

